

مبانی حاکمیت قانون در حقوق ایران

«دکتر امیررضا محمودی» و «امیرشهری پور»

www.kebab.ir



سرشناسنامه: محمودی، امیررضا، ۱۳۶۳-
 عنوان و نام پدیدار: مبانی حاکمیت قانون در حقوق ایران | امیررضا محمودی، امیر شهری پور،
 مشخصات نشر: یاشار قلم تبریز، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۹۷-۱-۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع: حکومت قانون-ایران.
 موضوع: حقوق اساسی-ایران.
 شناسه‌ی افزوده: شهری پور، امیر، ۱۳۶۱-
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ م ۲۰۱ م ۲ KMHy
 رده‌بندی دیویی: ۳۴۹۱۵۵
 شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۳۶۸۴۴۴۶



yasharqalemtabriz@gmail.com
yasharqalamtabriz.blogfa.com

عنوان کتاب: مبانی حاکمیت قانون در حقوق ایران
 مؤلفین: دکتر امیررضا محمودی + امیر شهری پور
 صفحه‌آرا: خسرو صلح‌کننده
 ناشر: انتشارات یاشار قلم تبریز (تلفن: ۰۹۱۴۶۱۵۹۹۶۴-۰۹۳۶۳۲۹۴۶۱۲)
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳
 تیراژ: ۵۰۰ جلد
 قطع: وزیری
 تعداد صفحه: ۱۶۸
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۹۷-۱-۰
 بهاء: ۷۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیش گفتار.....
۱۲	مقدمه.....
فصل اول: مفاهیم و مبانی حاکمیت قانون	
۱۶	مبحث اول: مفهوم حاکمیت قانون.....
۲۱	گفتار اول: قانون یا حاکمیت قانون.....
۲۵	گفتار دوم: مفهوم شکلی حاکمیت قانون.....
۲۶	گفتار سوم: مفهوم ماهوی حاکمیت قانون.....
۳۰	مبحث دوم: مبانی حاکمیت قانون.....
۳۰	گفتار اول: آزادی.....
۳۰	بند اول- برداشت از آزادی.....
۳۱	بند دوم- انواع آزادی.....
۳۲	الف - آزادی‌های خصوصی.....
۳۲	ب - آزادی‌های عمومی.....
۳۲	ج - آزادی‌های سیاسی.....
۳۳	بند سوم: نسبت میان آزادی و حاکمیت قانون.....
۳۵	گفتار دوم: حقوق بشر.....
۳۸	بنداول: نسبت اصل عدالت طبیعی یا رویه‌ای و حاکمیت قانون.....
۴۰	بند دوم: نقش حاکمیت قانون بر محدودیت حقوق و آزادی‌ها.....
۴۱	بند سوم: نظریه حاکمیت در چارچوب قانون.....
۴۴	بند چهارم: چگونگی برقراری و تأمین حاکمیت قانون.....
۴۷	گفتار سوم: برابری.....
۴۸	بنداول: برابری شکلی.....
۴۹	بنددوم: برابری ماهوی.....
۴۹	مبحث سوم: ضمانت اجرای اصل حاکمیت قانون.....

- گفتار اول: مفهوم ضمانت اجرا..... ۵۰
- گفتار دوم: ملازمه بین قاعده حقوقی و ضمانت اجرا..... ۵۱
- گفتار سوم: مفهوم ضمانت اجرای اصل حاکمیت قانون..... ۵۴
- مبحث چهارم: کلیت حاکمیت مردم در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۵۶
- گفتار اول: فرآیند شکل گیری قانون اساسی ج.ا.ا..... ۵۷
- گفتار دوم: نقش و جایگاه مردم در حاکمیت قانون در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۵۸
- بند اول: رهبری در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۶۰
- بند دوم: رئیس جمهور در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۶۱
- بند سوم: مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۶۳
- بند چهارم: شوراها در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۶۵
- بند پنجم: همه پرسی در قانون اساسی ج.ا.ا..... ۶۶

فصل دوم: راهکارهای ضمانت اجرای اصل حاکمیت قانون در نظام

حقوقی جمهوری اسلامی ایران

- مبحث اول: عدم تمرکز قدرت سیاسی (تحدید قدرت)..... ۷۰
- گفتار اول: قدرت سیاسی..... ۷۰
- بند اول: نظریه اصالت فرد..... ۷۴
- بند دوم: نظریه اصالت و قانون طبیعت..... ۷۷
- بند سوم: نظریه اصالت و حاکمیت خداوند..... ۷۸
- گفتار دوم: تفکیک قوا کارآمدترین شیوه تحدید قدرت سیاسی..... ۸۰
- گفتار سوم: استقلال قوا..... ۸۴
- مبحث دوم: حاکمیت قانون و تفکیک قوا..... ۸۶
- گفتار اول: مفهوم نظارت..... ۸۸
- گفتار دوم: حاکمیت قانون و نظارت..... ۹۳
- گفتار سوم: انواع نظارت..... ۹۷
- بند اول: نظارت اداری..... ۹۷
- بند دوم: نظارت توسط یک نهاد قضایی..... ۹۸
- الف: الگوی اروپایی نظارت توسط یک دادگاه ویژه..... ۹۹
- ب: الگوی آمریکایی: نظارت توسط همه‌ی دادگاه‌های عمومی..... ۱۰۰

ج: نظارت قضایی.....	۱۰۱
گفتار چهارم: طرق نظارت قضایی.....	۱۰۲
بند اول: دادرسی اداری.....	۱۰۲
بند دوم: تجدیدنظر قضایی.....	۱۰۴
بند سوم: نظارت پارلمان.....	۱۰۵
بند چهارم: نظارت عمومی.....	۱۰۶
بند پنجم: نظارت شبه قضایی (دادگاه‌های اختصاصی اداری).....	۱۰۷
الف - نظارت درونی (سلسله مراتبی).....	۱۰۹
ب: نظارت بیرونی (آمبودزمنی).....	۱۱۰
ج: نظارت قیموبیتی.....	۱۱۲
۱: مسئولیت مدنی.....	۱۱۵
۲: مسئولیت کیفری.....	۱۱۵
۳: نظریه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی.....	۱۱۶
۱-۳: قصد و اراده جمعی.....	۱۱۶
۲-۳: عدم قابلیت اصل تخصص در حقوق جزا.....	۱۱۷
مبحث سوم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران.....	۱۱۸
گفتار اول: مسئولیت سیاسی.....	۱۲۱
بند اول: قلمرو مسئولیت نسبت به مقامات.....	۱۲۱
بند دوم: مسئولیت فردی وزیران.....	۱۲۲
بند سوم: قلمرو مسئولیت نسبت به موضوعات.....	۱۲۲
بند چهارم: مسئولیت اداری یا انتظامی.....	۱۲۳
گفتار دوم: دادرسی منصفانه (محاكمه عادلانه).....	۱۲۴
بند اول: اصل برائت.....	۱۲۶
بند دوم: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌های.....	۱۲۷
بند سوم: دلیل تفسیر مضیق قوانین کیفری.....	۱۲۸
بند چهارم: اصل عطف به مسابق نشدن قوانین.....	۱۲۹
بند پنجم: اصل علنی بودن دادرسی‌ها.....	۱۲۹
بند ششم: حق دفاع و حق انتخاب وکیل.....	۱۳۰

گفتار سوم: موانع اجرای حاکمیت قانون در نظام ج.ا.ا.....	۱۳۱
گفتار چهارم: حاکمیت قانون در نظام اداری ج.ا.ا.....	۱۳۴
مبحث چهارم: نظارت در نظام ج.ا.ا.....	۱۳۶
گفتار اول: نظارت مجلس خبرگان بر رهبر در نظام ج.ا.ا.....	۱۳۷
گفتار دوم: نظارت رهبر بر قوای سه گانه در ج.ا.ا با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۳۹
گفتار سوم: نظارت مجلس بر قوه مجریه در ج.ا.ا با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۴۱
بند اول: نظارت کلان بر هیأت دولت با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۴۱
بند دوم: نظارت بر اجرای قانون و مصوبات دولت با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۴۲
بند سوم: نظارت از طریق تحقیق و تفحص.....	۱۴۲
بند چهارم: نظارت بر بودجه از طریق دیوان محاسبات.....	۱۴۴
بند پنجم: نظارت بر موارد خاص.....	۱۴۷
گفتار چهارم: نظارت شورای نگهبان در ج.ا.ا با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۴۷
گفتار پنجم: نظارت قوه قضائیه با رویکرد حاکمیت قانون در ج.ا.ا.....	۱۴۸
بند اول: از طریق سازمان بازرسی کل کشور.....	۱۴۸
بند دوم: از طریق دیوان عدالت اداری.....	۱۵۱
بند سوم: نظارت درونی در قوه قضائیه با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۵۱
گفتار ششم: حاکمیت قانون و نظارت قوه مجریه.....	۱۵۲
بند اول: نظارت های مستقیم رئیس جمهور با رویکرد حاکمیت قانون.....	۱۵۳
الف: نظارت بر اجرای قانون اساسی.....	۱۵۳
ب: نظارت بر هیأت وزیران.....	۱۵۴
بند دوم: نظارت های غیرمستقیم رئیس جمهور.....	۱۵۵
الف: از طریق سازمان مدیریت و برنامه ریزی.....	۱۵۵
ب: از طریق وزیران.....	۱۵۵
ج: نظارت دفاتر بازرسی.....	۱۵۷
د: نظارت دفاتر حراست.....	۱۵۷
ن: هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری.....	۱۵۷
و: نظارت سازمان حفاظت محیط زیست.....	۱۵۹
ه: نظارت سازمان حسابرسی.....	۱۵۹

بند سوم: سایر موارد نظارتی در قوه مجریه..... ۱۶۰

گفتار هفتم: نظارتهای مدنی و حاکمیت قانون..... ۱۶۰

نتیجه..... ۱۶۰

منابع

منابع و مأخذ..... ۱۶۶

www.ketab.ir

پیشگفتار

طرح مسئله حاکمیت در اندیشه بشری با تشکیل نخستین سازمان های حکومتی در تاریخ بشر همزاد بوده است. در این راستا یکی از پرسش های بنیادین که در اندیشه سیاسی و حقوقی مطرح گردیده، جستجو در مبنا و منشأ قدرت، حاکمیت دولت و حاکمیت قانون در آن می باشد. در این خصوص دو دسته دیدگاه قابل ذکر است، یکی نظریه حاکمیت الهی و دیگری حاکمیت مردمی. این نوشتار برآن است تا ضمن تبیین مفهوم حاکمیت سیاسی و نظریه های مربوط به آن، نظریه حاکمیت قانون در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را همراه با نمودهای عینی آن مورد بررسی قرار دهد. در این راستا با در نظر گرفتن منشا مشروعیت و مقبولیت قدرت در نظام سیاسی و ارتباط عمیق احکام شریعت با کلیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران و با بیان اینکه نهاد ها و فعالیت ها و آثار ناشی از این نهاد ها با شرع و سیاست های کلی و اصلی نظام گره خورده اند یکایک مراجع حاکمیتی قانون بر طبق قانون اساسی مورد بررسی و تدقیق قرار خواهد گرفت.

در این جا از زحمات کلیه عزیزانی که در جای جای این نوشتار قبول زحمت نموده اند بخصوص از جناب آقای علی شوکتی که در ویرایش و تنظیم این اثر ما را یاری کرده اند و از حمایت های بی دریغ خانواده های محمودی، شهری پور و ثریای ظفر تشکر و قدردانی می نمایم.

دکتر امیررضا محمودی-امیرشهری پور

مقدمه

یکی از پرسش‌های بنیادین در فلسفه سیاسی و حقوقی که در گذشته‌های دور تا به حال در حیات اجتماعی و سیاسی بشر مطرح بوده است، جستجو در مبنا و منشأ قدرت و حاکمیت دولت می‌باشد. در تاریخ اندیشه سیاسی بشر در این مورد نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است تا شکل رابطه حاکمان و حکومت‌شوندگان تبیین و توجیه گردد. طرح مسئله حاکمیت در اندیشه بشری با تشکیل نخستین سازمان‌های حکومتی در تاریخ بشر هم‌زاد بوده است. در فلسفه سیاسی شرق سابقه آن بسیار طولانی است و در غرب نیز سابقه آن به بررسی‌های فلاسفه‌های سیاسی یونان باستان بر می‌گردد. به لحاظ تبارشناسی، دیرینه‌ترین دیدگاه در مورد منشأ قدرت حکومت، دیدگاه منشأ قدرت و حاکمیت الهی است که در درون آیین‌های بزرگ الهی بیان شده است.

مشخصه اساسی این نوع نگرش، تعلق و اختصاص حاکمیت مطلق به خداوند است که از طرف خداوند به پیامبرانش جهت مدیریت دینی، سیاسی و اجتماعی بشر تفویض شده است. براساس این دیدگاه منشأ قدرت و حاکمیت، الهی است و نباید در جای دیگر آن را جستجو نمود. در عین حال باید تأکید نمود که مقوله حاکمیت در دوران معاصر غرب خاستگاه جدید تری در درون جامعه یافت و متفکران غربی چون ژان بدن، توماس هابز، ژان ژاک روسو، شارل منتسکیو، ژان لاک و دیگران موضوع حاکمیت را تحت بررسی‌های نظری ژرف تری قرار دادند که خود یکی از فصول ممیزه تاریخ فلسفه سیاسی بین اندیشه‌های سیاسی قدیم و متأخر به شمار می‌آید. در این میان روسو از دیگران مهم‌تر است چرا که به جستجوی طولانی اندیشمندان غربی پس از عصر رنسانس پایان داد و پایگاه و موقعیتی جدید را برای آن تحت عنوان «اداره عمومی» عرضه داشت. از این رو بعدها او را موجد حکومت مردم در عصر جدید دانستند، به نظر وی حاکمیت و

قدرت در میان مردم و برای آنان است و آنکه قدرت و حاکمیت را در دست دارد، اراده عامه مردم است. انقلاب فرانسه دگرگونی مهمی را در مباحث مربوط به حاکمیت بوجود آورد و عملاً با اعلام رسمی حاکمیت مردم و اینکه دولت به نمایندگی از سوی ملت اعمال قدرت می کند، فصل نوینی را در فرآیند حیات سیاسی و اجتماعی بشر گشود. البته این مبنا که قدرت سیاسی در جامعه انسانی قرار دارد، بحث جدیدی در روند عمومی اندیشه سیاسی بشر به شمار نمی آید و در دنیای کهن من جمله در یونان باستان نیز بحث از حکومت دموکراسی مطرح بوده است اما ژان ژاک روسو، قدرت و به تبع آن حاکمیت را از آن فرد فرد جامعه دانسته و در نهایت حاکمیت را مقوله ای مشاع بین همه شهروندان یک حکومت قرار داده است.

طرح این نظریه همواره این پرسش اساسی را به دنبال خود آورده که اگر خاستگاه حاکمیت، انسان و جامعه انسانی است، چگونه حاکمیت الهی که در اندیشه های دینی عمیقاً مورد توجه می باشد و شک و تردید درباره آن، شک و تردید در یکی از اساسی ترین اصول اعتقادی دینی به شمار می آید، توجیه و تبیین می گردد؟ آیا پذیرش حاکمیت مردم با آنچه امروزه تحت عنوان مردم سالاری از آن یاد می گردد به منزله نفی حاکمیت الهی است؟ یا امکان ایجاد یک ارتباط منطقی بین این دو نحوه از اعمال حاکمیت وجود دارد؟ مضافاً اندیشه سیاسی و حقوقی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی آن بیان شده است چه می باشد؟

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که توأم با مشارکت سیاسی گسترده مردم ایران بود، ایرانیان در همه پرسی سال ۱۳۵۸ نوع حکومت «جمهوری اسلامی» را برای نظام سیاسی جدید تأیید نمودند. موضوعی که بعداً در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین صورت شرح حقوقی گردید: "حکومت ایران

جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرانی و در پی انقلاب اسلامی و پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیة الله العظمی خمینی (ره) در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزارسیصد پنجاه هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت دادند.

بدون تردید چنین بیانی ضمن اینکه در اساس حاکمیت مردمی را بیان نموده است نوع حکومت ایران را متضمن دو عنصر اساسی یعنی «اسلامی بودن» حکومت که همراه با پذیرش حدود و ثغور شرعی اسلام و نیز «جمهوریت» که مبین حاکمیت و خواست مردمی است، قلمداد می کند.

براساس آنچه بیان گردید و با عنایت به توجیه حقوقی و سیاسی نوین دولت که متکی بر تئوری حاکمیت مردمی است، این نکته باید روشن گردد که حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در توجیه مبانی قدرت و حاکمیت جمهوری اسلامی چه توضیحی را ارائه کرده است؟ همچنین در جهت سازگاری دادن بین این دو مبنا - یعنی حاکمیت الهی و مردمی - چه سازوکارهایی را پیش بینی نموده است؟

کتاب حاضر با روش تحقیق کیفی و با استفاده از الگوهای تحقیقی استقرایی و نظری در دو فصل کلی نگاشته شده است. در فصل اول این اثر به معانی و مفاهیم و کلیت موضوع پرداخته و در فصل دوم که شاکله موضوع در آن بحث شده است به صورت جزئی وارد موضوعات اصلی شده ایم.